

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد فاجعه ملی

سکوت شانزده ساله سازمان دهندگان جنایت هولناک بر ضد هزاران زندانیان

سیاسی را باید با تجهیز افکار عمومی ایران و جهان درهم شکست!



ادامه در صفحه ۲

فاجعه ۲۸ مرداد و تأثیر آن بر تاریخ معاصر ایران

در صفحه ۴

صلح، ثبات و همکاری نیاز مبرم ما و

همسایگان

دولت باکو تلاش ورزیدند، مانع از بهبود روابط میان تهران باکو شوند. در جریان این سفره دو روزه ۱۰ سند همکاری اقتصادی و فرهنگی میان دو دولت به امضا رسید و جمهوری اسلامی نیز قول گشایش یک کنسولگری را در تبریز به مقامات باکو داد.

تهران و باکو در روابط خود فراز و نشیب های بسیاری را از سر گذرانده اند. فضای

ادامه در صفحه ۳

سفر دو روزه محمد خاتمی به جمهوری آذربایجان همان گونه که، انتظار می رفت، بازتاب گسترده ای در رسانه های همگانی داخل و خارج بویژه مطبوعات منطقه یافت.

پس از حدود یک دهه، خاتمی نخستین مسئول درجه اول جمهوری اسلامی بود که در راس یک هیات بلند پایه اقتصادی سیاسی رهسپار باکو شد و با مقامات بلند پایه این کشور به مذاکره و گفتگو پرداخت. پیش از آغاز این سفر محافل معینی در

هم میهنان گرامی شانزده سال از فاجعه قتل عام هزاران زندانی سیاسی ایران در سیاه چال های رژیم ولایت فقیه می گذرد. بر اساس اسناد و شواهد گوناگونی که تا به امروز انتشار یافته است، در تابستان سال ۱۳۶۷، و در پی شکست رژیم ولایت فقیه، در جبهه های جنگ ایران و عراق، که برخلاف



شماره ۶۹۳، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۷ مرداد ۱۳۸۳

سیاست های ماجراجویانه و نظامی گری ارتجاع

و خطراتی که میهن ما را تهدید می کند

اتخاذ سیاست های ماجراجویانه در منطقه و در عین حال با بسیج افکار عمومی جهان خطر دخالت مجدد نظامی امپریالیسم در منطقه را کاهش داد.

در هفته های اخیر و خصوصاً در پی انتخابات ضد مردمی مجلس هفتم و روی کار آمدن مجلس فرمایشی که عمدتاً در دست مزدوران ولی فقیه قرار دارد و در حاشیه قرار گرفتن بیش از پیش دولت خاتمی، سخنان و موضع گیری های نگران کننده بی از سوی نیروهای ارتجاعی طرح شده است که نمی توان بی تفاوت از کنار آنها گذشت. این موضع گیری ها در حالی است که آمریکا خود را برای تشدید فشار بر ایران در اجلاس آینده «آژانس بین المللی انرژی اتمی» که قرار است در شهریور ماه (سپتامبر) برگزار شود آماده می کند. در اخبار آمده بود که کالین پاول، وزیر امور خارجه آمریکا در

مسأله تلاش حکومت ایران برای دست یابی به سلاح های هسته ای مدتهاست که در دستور بحث مجامع بین المللی قرار داشته و دارد. در حالی که دولت خاتمی و شخص او در موضع گیری های مختلفی بر استفاده صلح آمیز ایران از انرژی هسته ای تأکید کرده اند، ولی مجامع بین المللی، از جمله «آژانس بین المللی انرژی اتمی» بر پایبندی ایران بر این موضع، با توجه به کشاکش های درونی حاکمیت و کم تأثیر بودن بیش از پیش نظرات دولت خاتمی در تعیین سیاست های کلان رژیم تردید کرده اند.

حوادث فاجعه بار در عراق و بهره جویی امپریالیسم از بهانه سیاست های ماجراجویانه رژیم ضد مردمی صدام حسین، از جمله بهانه دست یابی به سلاح های کشتار جمعی، برای حمله نظامی به این کشور، مویذ این نظریه بود که باید با پرهیز از نظامی گری و

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

منافع ملی میهن ما و به خاطر پافشاری بیمارگونه سران رژیم و خصوصاً شخص خمینی همچنان ادامه یافته بود، گروه های مرگ برگزیده رهبری رژیم به زندان های کشور گسیل شدند تا زندان ها را از وجود قهرمانان راه آزادی و مبارزان پیگیر حقوق مردم میهن ما خالی کنند و با حاکم کردن جو رعب و وحشت جلو انفجار اجتماعی توده های جان به لب رسیده بر ضد سیاست های خانمانسوز رژیم را سد کنند.

بر اساس اسنادی که از جمله در کتاب خاطرات آیت الله منتظری، نایب ولی فقیه رژیم در زمان فاجعه ملی منتشر شده است، هزاران زندانی سیاسی رژیم که قبلاً در بیدادگاه های دستگاه قضایی محاکمه و به زندان محکوم شده بودند، بر خلاف تمامی قوانین جاری کشور و قوانین بین المللی، در مقابل یک دادگاه صحرایی قرار گرفتند و بر اساس تشخیص مشتی تاریک اندیش، شکنجه گر و بعضاً جنایتکار حرفه ای به اعدام محکوم شدند. شمار زیادی از سازمان های حقوق بشر جهانی، از جمله سازمان عفو بین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و صدها حزب و سازمان صنفی، مترقی و انسان دوست در جهان این جنایات هولناک را هم ردیف با توحش نازی ها در اردوگاه های مرگ گشتاپو ارزیابی کردند و رژیم ولایت فقیه را به شدت محکوم کردند.

فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی بیانگر روشن ماهیت عمیقاً ضد انسانی حکومتی است که «خود را نظام نمونه» جهان می خواند ولی در عمل تمامی حقوق و موازین بین المللی در زمینه احترام و تحقق حقوق اولیه انسانی شهروندان به خشن ترین شکل ممکن زیر پا می گذارد. فاجعه ملی، فاجعه یی تکان دهنده برای کشور و مردم ایران بود. در جریان این کشتار سیاسی کم سابقه هزاران تن از شخصیت ها، متفکران و مبارزان راه آزادی کشور قتل عام شدند و بدین ترتیب سرمایه های عظیم معنوی کشور به نابودی کشانده شد. حزب توده ایران به همراه سایر نیروهای ترقی خواه کشور صدها تن از برجسته ترین رهبران، کادرها، متفکران، پژوهشگران و نویسندگان، رهبران و شخصیت های برجسته جنبش های اجتماعی، همچون کارگران، دانشجویان و زنان را از دست داد تا رژیم سیاه کار و ارتجاعی بتواند چند صباحی بیش به حیات ننگین خود ادامه دهد.

هم میهنان عزیز و هوشیار!

همچنان که می دانید با گذشت ۱۶ سال از جنایت هولناک هنور سران رژیم حاضر نشده اند کوچکترین اطلاعاتی در زمینه سرنوشت این انسان های پاک و مبارز در اختیار خانواده های آنان قرار دهند. ما هم صدا با انبوه خانواده های زندانیان سیاسی فاجعه ملی خواستار تشدید فشار داخلی و بین المللی برای روشن شدن همه زوایای تاریک حوادث تکان دهنده بی هستیم که در زندان های رژیم ولایت فقیه به وقوع پیوست. ما همگام با خانواده شهدای جنبش در راه آزادی خواستار تشدید فشار بر رژیم برای روشن شدن موارد زیر هستیم:

- اسامی اعدام شدگان شهریور خونین را به طور رسمی اعلام نمایند،
- تاریخ اعدام و محل خاکسپاری قربانیان این جنایت را به خانواده های داغدارشان اعلام کنند، - دلایل محاکمه مجدد کدام است و به دستور کدام مقامات جمهوری اسلامی انجام یافته است - به چه جرمی آنها را اعدام کرده اند...

سکوت شانزده ساله سازمان دهندگان جنایت هولناک بر ضد هزاران زندانی سیاسی را باید با تجهیز افکار عمومی ایران و جهان درهم شکست. تنها با به پای میز محاکمه کشیدن سازمان دهندگان این جنایت هولناک است که می توان امیدوار بود در آینده چنین جنایاتی تکرار نشود. ادامه سیاست های سرکوب گرایانه آدم ربایی ها، ادامه شکنجه و آزار اسیران دربند و تشدید این حرکت ها در هفته های اخیر توسط دستگاه امنیتی تأکید مجددی است بر ضرورت همکاری و همیاری همه نیروهای ترقی خواه ایران و تشدید همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی برای عقیم گذاشتن توطئه های رژیم و دستگاه های امنیتی آن بر ضد دگراندیشان.

تجربه شانزده ساله گذشته نشان داده است که دستگاه قضایی رژیم ولایت فقیه در کنار نیروهای امنیتی زیر نظر مستقیم ولی فقیه بزرگترین خطر برای حقوق انسانی شهروندان میهن ماست. انحلال و تغییر بنیادین این نهادها در کنار سایر تغییرات اساسی ضرور برای استقرار آزادی و عدالت در میهن ما تنها با تشکیل جبهه وسیع همه مبارزان ضد استبداد و تشدید مبارزه سراسری در درون جامعه امکان پذیر است. تحقق آرمان های والا و انسانی هزاران مبارز پر شوری که اسطوره وار در مقابل جنایت پیشگان حاکم ایستادند و تن به ذلت و خواری ندادند وظیفه یی است درنگ ناپذیر که باید برای تحقق اش تلاش های مشترکمان را دو چندان کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن گرامی داشت خاطره تابناک شهدای فاجعه ملی بار دیگر همبستگی و همدردی خود را با خانواده هایی که عزیزان خود را از دست داده اند اعلام می کند.

درود آتشین به خاطره تابناک شهدای فاجعه ملی!
درود به مبارزه پیگیر و شجاعانه هزاران خانواده شهدای فاجعه ملی که همچنان برای روشن شدن حقایق این جنایت هولناک تلاش می کنند!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۶ مرداد ماه ۱۳۸۳

آزادی برای همه
زندانیان سیاسی ایران!

ادامه صلح، ثبات و همکاری ...

روابط به ویژه بر اثر اختلاف جدی بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، بیشتر سرد و سنگین بوده است. این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که، رفتار و عملکرد رهبران دولت باکو در پاره‌یی از موارد به تیرگی روابط دامنه وسیع بخشیده است. محافل پان ترکیست با حمایت آنکارا به هیچ رو خواستار گسترش روابط میان تهران و باکو نبوده و نیستند و منافع آنها در بحرانی ماندن رابطه میان ایران و جمهوری آذربایجان است. از دیگر سو نیروهای ارتجاعی حاکم در ایران نیز با برخی اقدامات تحریک آمیز همواره مانع بهبود مناسبات بوده و هستند. به همه این مسایل باید اقدامات غیر مسئولانه و خصومت آمیز آن دسته از محافل پر نفوذ در دولت باکو را بیفزاییم که طی سالیان اخیر با اشاره امپریالیسم و ارتجاع منطقه به تشکیل و سازماندهی باندهای فاشیست مآب و جنایتکاری که شعارهایی از قبیل "توسعه طلبی ایران" و "اتحاد پان ترکیستها" و یا شعار اتحادیه تورانیان" را سر می دهند یاری رسانده اند، همین محافل به دولت باکو فشار وارد آورده اند که، این دولت با مراجعه به کمیسیون دائمی سازمان ملل و مجمع پارلمان اروپا، خواستار آن شود جامعه بین المللی، آذربایجان را به عنوان ملتی تجزیه شده به رسمیت بشناسد اتفاقاً همین نیروها در چارچوب جریان مشکوکی به نام کنگره جهانی آذربایجان در صدد بودند همزمان با دیدار خاتمی از باکو، تظاهراتی با شرکت عده‌یی در به اصطلاح اعتراض به توسعه طلبی ایران و نقض حقوق آذربایجانی‌ها ترتیب دهند که موفق به برگزاری آن نشدند. به هر ترتیب مشکلات در راه گسترش روابط فراوان است و دغدغه‌های بسیاری را برای تهران و باکو پدید می آورد. دیدار خاتمی از باکو و سلسله گفتگوهای وی با الهام علی اوف، سخنرانی در مجلس و غیره، اقدامی بود برای ایجاد فضای مناسبات حسن همجواری بین دو طرف.

به علاوه امضای ۱۰ سند همکاری از جمله اختصاص ۱۱۵ میلیون دلار از سوی ایران برای توسعه و بهبود سیستم برق و جاده‌های جمهوری آذربایجان، احداث آزاد راه ۳۳۰ کیلومتری آستارا باکو، قرارداد انتقال برق به منطقه خود مختار نخجوان و توسعه شبکه راه آهن میان ایران و جمهوری آذربایجان از طریق راه آهن قزوین باکو و قراردادهایی در این زمینه. تلاشی است، برای عادی سازی روابط و حاکم ساختن جو همزیستی میان دو همسایه. روابط میان تهران باکو در اوضاع بسیار پیچیده منطقه، بطور مستقیم و غیر مستقیم، در مناسبات با روسیه و کشورهای نظیر ارمنستان، گرجستان و ترکمنستان نقش داشته و با آنها ارتباط می یابد که به ویژه باید به روسیه در این خصوص اشاره کرد. یکی از روزنامه‌های چاپ باکو در مجموعه گزارشی در ارتباط با سفر خاتمی به این جمهوری، با اشاره به تحولات در قفقاز و به ویژه مناسبات تیره روسیه و گرجستان پس از برکناری شاوردنازده نوشت: "با توجه به تیرگی روابط روسیه و گرجستان، ایران که نقشه احداث شاه لوله گاز از طریق ارمنستان و گرجستان به سمت اروپا را داشت، اکنون با مخالفت روسیه برای انتقال شاه لوله از خاک گرجستان روبروست و به همین دلیل جمهوری آذربایجان را برای این منظور در نظر گرفته است."

از سوی دیگر روسیه به فشارهای خود به ایران در مورد تعیین رژیم حقوقی دریای خزر افزوده است. روسیه می کوشد با دستاویز قراردادن مساله انرژی هسته‌یی در ایران و موافقت نامه احداث

نیروگاه هسته‌یی بوشهر، رژیم ولایت فقیه را وادار به پذیرش نقطه نظرات مسکو در چگونگی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر کند.

تقریباً همزمان با سفر خاتمی به باکو، یوری ساویلیف رئیس گروه همکاری پارلمانی ایران روسیه که در عین حال رئیس کمیسیون صنایع و فن آوری پیشرفته در دوما روسیه نیز هست در مصاحبه‌یی خاطر نشان ساخت: روسیه توافقات استراتژیک با ایران را نقض نمی کند، رئیس جمهور ولادیمیر پوتین، در دو مورد موضع بسیار مستحکم دارد، اول: ضرورت اتمام عملیات ساخت نیروگاه بوشهر، دوم: تکذیب و رد ادعاهای آمریکا مبنی بر وجود سلاح‌های کشتار جمعی در جمهوری اسلامی ...

به این ترتیب می توان حساسیت فوق العاده روسیه را در منطقه در ارتباط با قفقاز و حوزه دریای خزر و ایران دریافت. آنچه در سفر خاتمی به باکو همچنان گره ناگشوده باقی ماند، مساله رژیم حقوقی دریای خزر بود، دولت باکو در این خصوص کماکان بر مواضع سابق خود که به زیان ایران و ترکمنستان است، پافشاری نمود.

به هر روی واقعیت اینست، اختلافات نمی تواند و نباید مانع از گسترش روابط ایران و همسایگانش گردد، از جمله جمهوری آذربایجان که اشتراکات تاریخی فرهنگی ژرفی دو کشور را به هم پیوند می زند. علاوه بر این، با توجه به حضور نظامی امپریالیسم و تحریکات دولتها و محافل ارتجاعی در منطقه، میهن ما و کلیه همسایگان آن چه در حوزه خلیج فارس و خاورمیانه و چه در قفقاز، آسیای میانه و حوزه دریای خزر، بیش از هر چیز به صلح، ثبات، همکاری و حسن همجواری نیازمند هستند. فقط در پرتو احترام متقابل و روابط برادرانه و متقابل سودمند می توان منافع ملتهای منطقه را تأمین و به حضور ناخواسته نیروهای خارجی در منطقه پایان داد.

ادامه سیاست‌های خارجی جان کری و ...

حزب دموکرات، در مصاحبه‌ای با «ان. بی. سی.» در ۸ مردادماه، در مورد «کری» و «بوش» گفت: آن چه که عوض می شود فقط افراد هستند و تغییری در سیاست‌های نظامی ایالات متحده ایجاد نخواهد شد و جان کری فرد مناسبی برای به دست گیری سکان این رهبری است.

هر چند تفاوت‌های مشخصی در مورد امور داخلی آمریکا بین دو حزب اصلی کاندیدای قدرت در این کشور وجود دارد، اما به نظر می رسد که کری به عوض اتخاذ سیاست دفاع از صلح و رفع تنشج برای در سایه قرار دادن بوش، سعی در مساوی و یکسان جلوه دادن خود با او در جنگ طلبی و نظامی گری دارد. حزب دموکرات آمریکا یکبار دیگر در صحنه آزمون نشان می دهد که در مورد عمده ترین عرصه‌های سیاست خارجی تفاوتی با جمهوری خواهان ندارد و دنباله رو سیاست‌های آنان می باشد. سیاست‌هایی که با تغییر دولت در چندین دهه اخیر، در جنگ علیه ویتنام، در افغانستان و عراق، در یوگسلاوی و در مبارزه علیه کشورهای سوسیالیستی، تغییری نکرده اند و متفاوت از یکدیگر نبوده اند. جنبش صلح در آمریکا مصمم است که با گسترش کارزار ضد جنگ و نمایش پایگاه اجتماعی شعارهای صلح جویانه، کارزار انتخاباتی کری را مجبور به باز اندیشی در مورد این سیاست نماید.



مصدق نخست وزیر ایران سرانجام توانست خود را از زیر بار انتقادات مجلس ایران خلاص کند و آن را منحل ساخت. وی البته برای رسیدن به مقصود از کمونیست ها مدد گرفت. لازم است دولت آمریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای آسیا منجمه ایران اقدامات لازم را به عمل آورد. هم اکنون تصمیماتی اتخاذ شده است. دیر یا زود باید راه توسعه کمونیسم در آسیا را مسدود کرد. ما به این کار مصمم هستیم.»

بر این اساس روشن است که هدف کودتا یکی سرکوب خشن نهضت ملی شدن نفت در ایران بود، که سرایت آن به دیگر کشورهای منطقه می توانست مخاطرات جدی یی برای منافع امپریالیست ها در منطقه خلیج فارس داشته باشد و دیگر هدف اساسی سرکوب کمونیست ها، یعنی حزب توده ایران به عنوان نیروی جوان و بالنده سیاسی در ایران بود. از اسناد جالب دیگر در همین زمینه سخنان مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا در ۱۷ مارس سال ۲۰۰۰ است. آلبرایت در سخنرانی یی که در شورای ایران و آمریکا کرد به روشنی و برای اولین بار اعلام کرد که: «در سال ۱۹۵۳ ایالات متحده آمریکا نقش اساسی یی در ارکستره کردن سرنگونی دولت مردمی دکتر محمد مصدق ایفا کرد. دولت آیزنهاور معتقد بود که اعمالش به دلیل منافع استراتژیک آمریکا قابل توجیه بود. ولی روشن است که این اقدام روند تحول سیاسی ایران را به عقب راند و به همین دلیل است که بسیاری از ایرانیان تا به امروز از دخالت آمریکا در امور داخلی شان منزعج هستند...»

درس های ۲۸ مرداد برای جنبش امروز

پس از گذشت بیش از ۵۰ سال هنوز حوادث ۲۸ مرداد و عواقب فاجعه بار آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم در سرنوشت کشور ما تأثیر دارد. ما هنوز پس از بیش از نیم سده اسیر استبداد و ارتجاع هستیم و هنوز هم خطر دخالت خارجی سرنوشت میهن ما را تهدید می کند. از این منظر است که درس های کودتای ۲۸ مرداد هنوز هم برای حوادث کنونی میهن ما مهم است.

کودتای ۲۸ مرداد توانست موفق شود زیرا جنبش مردمی نتوانست با اتحاد محکم به رویارویی با ترفندهای ارتجاع و امپریالیسم برود. بدینی نیروهای ملی به حزب ما، بدینی حزب توده ایران به برخی سیاست های سازش ماماشات گرانه مصدق و خیانت شخصیت های موثری مثل آیت الله کاشانی که در حساس ترین مقطع پشت دولت مصدق را خالی کردند و به دست بوس شاه شتافتند سبب شد که جنبش مردمی از هم پاشیده شود و نتواند در برابر تعرضات ارتجاع از خود دفاع کند. عدم انسجام و سازمان یافتگی جنبش مردمی، ضعف و تعلل نیروهایی که

فاجعه ۲۸ مرداد و تأثیر آن بر تاریخ معاصر ایران

درباره ۲۸ مرداد در عرض ۵۱ سال گذشته هزاران مقاله، کتاب و جزوه منتشر شده است و در بخش وسیعی از این مطالب تاریخ و حقایق تاریخی از زوایای گوناگونی تحریف شده است. سالیان طولانی و خصوصاً در نخستین سال های پس از کودتا، رژیم شاه تلاش می کرد تا این نظر را به خورد جامعه بدهد که کودتای ۲۸ مرداد «حرکت ملی ارتش برای نجات ایران از دست کمونیست ها و نفوذ خارجی» بود ولی امروز با توجه به انبوه اسنادی که در این زمینه منتشر شده است، و از جمله آخرین نمونه های آن که در «نیویورک تایمز» فروردین ماه ۱۳۷۹، یعنی سال ۲۰۰۰ انتشار یافت، روشن شده است که ساواک شاه و دستگاه های جاسوسی آمریکا و انگلیس مقادیر زیادی برای بی اعتبار کردن جنبش ملی ایران و کمونیست ها و قلب تاریخ معاصر میهن ما هزینه کردند. بخشی از اهداف تبلیغاتی یی که توسط سازماندهندگان کودتا دنبال می شد این بود که نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، خصوصاً حزب توده ایران را به بی عملی و منتظر دریافت دستور از خارج بودن در عین حال مسئول شکست جنبش ملی شدن و پیروزی کودتای ۲۸ مرداد معرفی کنند. این در حالی بود که پیکان تیز حمله کودتا و کودتاچیان متوجه حزب و توده ای ها بود و هزاران تن از اعضاء و هواداران و خصوصاً صد ها تن از افسران توده ای در جریان کودتا و پس از آن دستگیر روانه زندان و شکنجه گاه ها شدند و شمار زیادی نیز به جوخه های اعدام سپرده شدند. حرب توده ایران برای سال های طولانی تنها حزب و جریان سیاسی کشور بود که تلاش می کرد با این کارزار تبلیغاتی دشمنان میهن و مردم ما که بخشی از همان برنامه کودتا بود مبارزه کند.

زمینه ها و علل سازمان دهی کودتا

کودتای ۲۸ مرداد که مدت کوتاهی پس از پایان جنگ جهانی دوم سازمان دهی شد، بخش از برنامه آمریکا و متحدانش برای کنترل مناطق استراتژیک جهان بود. در این زمینه اسناد تاریخی معتبر زیاد وجود دارد. به عنوان نمونه به دو سند اشاره می کنیم.

«آنتونی ایدن، وزیر خارجه وقت انگلیس، در این زمینه در خاطرات خود نوشته است: «هنگامی که من در ۲۷ اکتبر ۱۹۵۱ (آبان ۱۳۳۰) پست وزارت امور خارجه را به عهده گرفتم دورنمای نگران کننده یی که من درباره آن می اندیشدم چنین بود. ما از ایران خارج شده بودیم. ما آبادان را از دست داده بودیم و قدرت و حیثیت ما در سراسر خاورمیانه به شدت متزلزل شده بود... من باید تصمیم می گرفتم که چگونه با این وضع باید روبه رو شد... من فکر می کردم که اگر مصدق سقوط کند کاملاً محتمل است جای او را دولت عاقل تری بگیرد که انعقاد قرار داد رضایت بخشی را ممکن سازد...»

آیزنهاور، رئیس جمهوری وقت آمریکا، هم پس از فرماندوم دکتر مصدق و انحلال مجلس دربار، در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۵۳ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۲)، درباره وضعیت ایران از جمله گفت: «این امر برای آمریکا عاقبت شومی در بر دارد. توسعه کمونیسم در آسیا موجب نگرانی بسیار است. صبح امروز در روزنامه ها خواندید که دکتر

ادامه ۲۸ مرداد ...

حمایت مردمی را داشتند ولی آماده استفاده از آن نبودند (یعنی همین وضعی که در مورد جبهه دوم خرداد صدق می کند)، تنگ نظری ها و بی اعتمادی به توده ها و توان نیروهای اجتماعی در پیش برد امر مبارزه از جمله درس های سودمند دیگری است که همه نیروهای مترقی و آزادی خواه می توانند از آن بهره مند شوند.

تاریخ مبارزات رهایی بخش میهن ما نشان داده است که رشد و گسترش آنتی کمونیسم از نشانه های قطعی آماده شدن ارتجاع برای حمله به جنبش مردمی است. تجربه دردناک ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به شکل دیگری در تجربه دردناک شکست انقلاب ایران هم تکرار شد. کارزار وسیع ضد کمونیسم، حمله به نیروهای مترقی و آزادی خواه و غیر قانونی اعلام کردن اکثریت نیروهای واقعی سیاسی در میهن ما زمینه ساز استقرار رژیم استبدادی شد که امروز حتی تاب تحمل دگراندیشان مذهبی و شماری از متحدان دیروزی خود را نیز ندارد.

نکته آخر که اهمیت فوق العاده در شرایط کنونی ایران دارد مسأله سرنوشت کشور و دخالت خارجی است. کودتای ۲۸ مرداد و ده ها نمونه مشابه آن در گوشه و کنار جهان نشان داد که امپریالیسم برای حفظ منافع استراتژیک خود حاضر است دست به هر فاجعه آفرینی بزند و بر خلاف همه ادعاهایش آزادی و دموکراسی را هم در راه دستیابی به اهداف دور و نزدیک قربانی کند. حوادث دردناک و به شدت نگران کننده در عراق باید نمونه جالبی در تاکید این نکته باشد. تاکید بر این نکته به این دلیل است که کم نیستند نیروهایی که چشم امید به آمریکا و متحدانش برای تحقق دموکراسی در ایران دارند. همان طوری که ۲۸ مرداد نشان داد این دیدگاه ثمری جز فاجعه، استبداد و وابستگی به همراه ندارد و تلاش همه نیروهای ملی و مترقی میهن ما باید متوجه اتحاد عمل برای دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و تحولات بنیادین در میهن ما باشد.

با گسترش دامنه اعتراضات در محیط های تولیدی و صنعتی کشور سران و گردانندگان تشکل های زرد و ارتجاعی نظیر خانه کارگر و کانون شوراهای اسلامی کار، دست به یک رشته اقدامات در راستای مهار و کنترل جنبش کارگری سندیکایی زده اند. این اقدامات بویژه در شرایط کنونی سمت و سوی معین داشته و پیوند خانه کارگر با جناح بندی مشخصی را در درون حاکمیت بیش از گذشته بر ملا می سازد.

طی ماههای اخیر، شاهد آن هستیم که گردانندگان خانه کارگر از هر فرصتی استفاده کرده، بر وضعیت وخیم معیشتی زحمتکشان انگشت می گذارند و لبه تیز حمله را متوجه دولت، برخی دوایر رسمی و سازمان های مربوطه می کنند. در این میان حمله به سیاست خصوصی سازی با محتوی معنی جای برجسته دارد.

خبرگزاری کار ایران ایلینا به تاریخ ۱۷ مرداد ماه سال جاری خورشیدی سخنان علیرضا محبوب مهره شناخته شده رژیم و دبیر کل خانه کارگر را انتشار داد که در آن وی به شدت به سیاست خصوصی سازی توسط دولت تاخته و آن را زیان بار معرفی نموده است. محبوب از جمله گفته است: "مخالف خصوصی سازی نیستیم با شرایط فعلی خصوصی سازی مخالفیم" او در تمجید از برنامه خصوصی سازی واقعی به زعم خویش خاطر نشان ساخت: "خصوصی سازی در نهایت عامل بهسازی اقتصادی است... خصوصی سازی فعلی تنها ولننگار سازی دولت است... تا زمانیکه صنایع کشور به صورت خانوادگی اداره می شود، امکان سرمایه گذاری و گردش سهام وجود ندارد و بازار بورس صحنه بازیگران خواهد بود... دولت بدون توجه به حداکثر توان تولید در غالب شرکتهای مضاربه ای اوراق مشارکت واحد های تولیدی، صنعتی خود را با سود بالا روانه بازار جذب سرمایه می کند..."

پس از سخنانه حکیمانه محبوب، نوبت به حسن صادقی دبیر کانون

هدف خانه کارگر چیست؟

عالی شوراها ی اسلامی کار رسید، تا وی نیز از قافله عقب نمانده و با محکوم کردن برنامه های فعلی خصوصی سازی به "دفاع" از منافع کارگران برخیزد. صادقی که سخنان او را نیز خبرگزاری ایلینا منتشر ساخت، یاد آور گردید: "محیط کار برای کارگران به جهنم تبدیل شده است ۶۰ درصد نیروی کار کشور دارای استرس هستند... امروز دولت در مسیری حرکت می کند که بار خودش را بر دوش کارگر و کارفرما تحمیل کرده... وی سپس با تاکید بر اینکه قوانین و بخشنامه ها برای زحمتکشان در کار و زندگی بحران ایجاد نموده، فریبکارانه از موضع "دلسوزی" گفت: "دولت سعی کرده در جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) فاصله انداخته و اتحاد و اتفاق آنها را از بین ببرد..."

این نوع سخنان از جانب مسئولان خانه کارگر و کانون عالی شوراها ی اسلامی، بیانگر مواضع مشخص این تشکل زرد در صحنه سیاسی کشور است. به عبارت دقیق تر، موضعگیری هدایت شده بسود باند رفسنجانی و شرکا. در مواضع فوق الذکر لبه تیز حمله متوجه دولت، بخشنامه های دولتی و سازمان های وابسته آن است. گویی تمام گرفتاری و علل همه مشکلات فقط به همین جا ختم می شود. آنچه بر آن سرپوش گذاشته می شود و در باره آن به عمد هیچ سخنی به میان نمی آید. سمت گیری اقتصادی اجتماعی است که دولت خاتمی مجری آن است. خانه کارگر با حمله به خصوصی سازی فعلی (دقت کنید فعلی) از سمت گیری رژیم ولایت فقیه دفاع می کند و حتی طبق گفته محبوب آن را در نهایت عامل بهسازی اقتصادی معرفی می کند. واقعیت اینست که آنچه مورد اعتراض طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما در سالیان اخیر قرار داشته نه عامل یا عوامل اجرایی برنامه های اقتصادی ضد ملی و ضد کارگری، بلکه محتوی و مجموعه برنامه اصلاح ساختار اقتصادی است که خصوصی سازی فقط یکی از اجزا آن به شمار می آید، عامل اجرایی گرچه در تند یا کند شدن برنامه نقش دارد ولی یک امر فرعی و ثانوی است. هدف خانه کارگر، جهت انحرافی دادن به جنبش کارگری سندیکایی ایران در اوضاع کنونی است. برنامه فریب دادن کارگران و تزریق انفعال و رکود به جنبش است. از هم اکنون خانه کارگر دست در دست باند رفسنجانی و شرکا در فکر انتخابات ریاست جمهوری است. نقشی که ارتجاع به خانه کارگر محول ساخته، روشن است. تبدیل مبارزه زحمتکشان به زانده نظام با هدف پیشبرد منافع ارتجاع. بی جهت نیست در

ادامه سیاست های ماجراجویانه و نظامی گری ...

نخواهند کرد.» بازتاب وسیع این سخنان غیرمسئولانه در خبرگزاری های جهان و محافل بین المللی بر نگرانی نیروهای ترقی خواه میهن ما در زمینه اتخاذ چنین سیاست های از سوی سران رژیم ولایت فقیه می افزاید.

هدف سران رژیم از اتخاذ چنین سیاست ها و موضع گیری های غیر مسئولانه، همان طوری که برخی از محافل اصلاح طلب نیز به آن اشاره کرده اند بیشتر برای تند کردن جو بین المللی و استفاده از آن برای حرکت به سمت نظامی کردن حیات کشور و تشدید سرکوب نیروهای مخالف رژیم است. سیاست های ضد ملی این چنینی نمی تواند چیزی جز فاجعه برای میهن ما به بار بیاورد. مردم ایران فراموش نکرده اند که عریده کشی های «جنگ»، جنگ تا پیروزی، و تفکرات بیمارگونه احیای «امپراتوری اسلامی» چگونه به کشتار صدها هزار جوان ایرانی و صدمات دهشتناک برای میهن ما منجر شد. مقابله با این سیاست های فاجعه بار بخش جدایی ناپذیر از مبارزه بر ضد ارتجاع و رژیم استبدادی حاکم است. باید با تجهیز افکار عمومی و توضیح خطرات جدی بی که از این طریق می تواند میهن ما را تهدید کند رژیم و سران آن را به عقب نشینی وادار کرد. سیاست درست در این زمینه تلاش مشترک کشورها و مردم منطقه برای تبدیل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به منطقه ای عاری از سلاح های کشتار جمعی است و نه خلاف آن و افروختن بیش از پیش مسابقه تسلیحاتی.

ادامه هدف خانه کارگر چیست ...

اوایل سال جاری خورشیدی معاون دبیر کل خانه کارگر در پاسخ به نظر خواهی خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری آینده با قاطعیت از نامزدی رفسنجانی و یا یکی از نزدیکان او حمایت کرده بود.

خانه کارگر در شرایطی حملات پی در پی به برنامه خصوصی سازی می کند، که مسئولان آن، رفسنجانی این مهره رسوای ارتجاع و اصلی ترین مدافع برنامه های ضد ملی تعدیل اقتصادی را بهترین گزینه برای انتخابات ریاست جمهوری آینده معرفی می کنند!! در این خصوص طی چند هفته اخیر خانه کارگر موضعگیری های تامل بر انگیز داشته است. در ست همزمان با طرح بازنگری اصل ۴۴ قانون اساسی در مجمع تشخیص مصلحت و دعوت رفسنجانی از کارشناسان در این خصوص، دبیر اجرایی خانه کارگر استان قم اعلام داشت: "بازنگری اصل ۴۴ قانون اساسی جامعه کارگر (بخوان طبقه کارگر) را امیدوار می کند، به تازگی مقامات عالی رتبه مملکتی این اصل را مورد توجه قرارداد و مجمع تشخیص مصلحت به آن پرداخته است."

همچنین دبیر اجرایی خانه کارگر لارستان نیز با حمله به خصوصی سازی و دفاع آشکار از اقدامات مجمع تشخیص مصلحت خواستار بازنگری در قوانین شد. به دنبال آنها نیز محجوب باز هم با حمله به مجریان خصوصی سازی با سیمای "یک نظریه پرداز نابغه" ظاهر شد و اعلام داشت: "دولت بزرگترین مصرف کننده و بدهکار بانکها و عامل اصلی ایجاد تورم دو رقمی است ... در آمد نفت از سوی دولت به شکل نادرستی هزینه می شود. رشد قیمت دلار در اقتصاد نفتی ایران به زیان کارگر و کارفرماست."

به این ترتیب خانه کارگر به عنوان اهرم ارتجاع در رویارویی با جنبش اعتراضی زحمتکشان، وظیفه دارد این جنبش را کنترل و به انحراف بکشاند. در لحظه کنونی و در صحنه سیاسی کشور این هدف اصلی گردانندگان این تشکل زرد و ارتجاعی است.

مصاحبه بی با روزنامه ژاپنی یومیوری بار دیگر بر نگرانی های ایالات متحده از برنامه هسته ای ایران تأکید کرده است. بر اساس همین گزارش پاول در مقابل این سؤال که: «آیا شما از ژاپن خواسته اید که به دلیل تلاش ایران برای دستیابی به سلاح اتمی از معاملات بازرگانی با ایران بپرهیزد؟» می گوید: «ما امیدواریم که ژاپن در روابطش با ایران این نکته را مد نظر قرار دهد که ایران مانند یک کشور مسئولیت پذیر رفتار نمی کند. آژانس بین المللی انرژی اتمی خواهد جدی در برنامه اتمی آنها یافته است. ایران به تعهداتش با سه کشور بزرگ اروپایی پایبند نبود. برای ما مسلم است که ایران درصدد توسعه سلاح های کشتار جمعی است و این موضوع به اطلاع جامعه جهانی نیز رسیده است. ایران می گوید: مهم نیست شما چه فکر می کنید. ما به جلو می رویم و قطعات سانتریفوژ را می سازیم و شایسته پیشرفت هستیم. من امیدوارم دولتمردان و سرمایه گذاران ژاپن پیش از هر گونه سرمایه گذاری این مطلب را مد نظر قرار دهند.»

در پی این سخنان نگران کننده کالین پاول است که به گزارش خبرنگار «رویداد»، درحالی که دولت خاتمی می کوشد فعالیت هسته ای ایران را کاملاً صلح آمیز معرفی کنند، محمد جواد لاریجانی، از نزدیکان به خامنه ای و از نظریه پردازان جناح «دوب در ولایت» در سخنان تحریک آمیز و غیر مسئولانه بی تأکید کرد: «ازلحاظ دفاعی هیچ معنا ندارد که دشمن سلاح هسته ای داشته باشد اما ما خودمان را از داشتن سلاح هسته ای محروم کنیم.» وی که پنجشنبه شب ۲۲ مردادماه به عنوان میهمان برنامه تلویزیونی «جهان سیاست» در استادیوی شبکه دوم سیما سخن می گفت، افزود: «ما نباید تبلیغات عظیم غربی را قبول کنیم به این معنا که توان دفاعی هسته ای توان منحرفی است. در جهانی که اطراف ما همه سلاح هسته ای دارند، این حق مسلم ما است که سلاح هسته ای هم داشته باشیم.»

لاریجانی افزود: «در جایی که رژیم صهیونیستی دارای سلاح هسته ای است، هیچ کس حق ندارد حق ملت ما را در این دفاع هسته ای نادیده بگیرد. از لحاظ دفاعی هیچ معنا ندارد که دشمن سلاح هسته ای داشته باشد اما ما خودمان را محروم کنیم.» ذکر این نکته نیز ضرور است که پیش از این نیز «حسین شریعتمداری» شکنجه گر ساواما و سر دبیر «کیهان» و نیز برخی از راه یافتگان به مجلس هفتم نیز بر لزوم خروج ایران از قرار داد منع سلاح های هسته ای تأکید کرده بودند که واکنش دولت خاتمی را برانگیخت.

در ادامه همین سیاست های ماجراجویانه و خطرناک، خبرگزاری های ایران و جهان گزارش دادند که ایران موشک «شهاب ۳» که دارای بردی نزدیک به ۱۳۰۰ کیلومتر و قادر به رسیدن به هدفهای نظامی در اسرائیل است را آزمایش کرده است. «علی شمخانی» وزیر دفاع ایران در پی این آزمایش اعلام کرد که برای مقابله با کوشش های اسرائیل برای افزایش توان موشکی، ایران نیز سرگرم بهبود سیستم موشکی خود است. اسرائیل چندی پیش سیستم ضد موشکی خود موسوم به «ارو ۲» را آزمایش کرد. این سیستم ضد موشکی، اساساً برای دفع هر گونه حمله احتمالی ایران طراحی و ساخته شده است. در پی این موضع گیری، «رویداد» گزارش داد که یدالله جوانی «رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته است تمامی مناطق تحت حاکمیت اسرائیل، از جمله مراکز هسته ای و زرادخانه های اتمی این کشور در تیررس موشکهای پیشرفته ایران قرار دارد و به همین خاطر نه اسرائیل و نه آمریکا تهدیدات خود را عملی

ادامه جهان سوم بازگشت به پله اول ...

سیاست های خارجی «جان کری» و «جورج بوش»، دو روی یک سکه هستند!

برخی از کشورهای فقیر مناطق جهان) را باز پس خواهد گرفت. اصل مساله همین جاست. چطور می توان انتظار گفتگو داشت وقتی که یک طرف چنین برتری قوایی بر طرف دیگر دارد؟ اگر کشورهای ثروتمند در امر مقابله با فقر جهانی جدی بودند، می فهمیدند که نمی شود هم از توبره خورد هم از آخور.. این وضعیتی نیست که بشود تبلیغات پر سر و صدای کشورهای سرمایه داری عمده در رابطه با اینکه در چهارچوب مقررات و موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی «هر دو طرف برنده هستند» را قبول کرد. این وضع، واریسی دوباره ساختار اقتصادی جهان را می طلبد. در گفتگوها و مذاکرات قبل از کنفرانس ژنو توافق شده بود که تقریباً همه مسائل و موضوع های جدیدی که در اجلاس سنگاپور مطرح شده بودند، از دستور کار خارج شوند. اما دقیقاً همین مسائل - که تا حد زیادی در جهت منافع کشورهای ثروتمند بودند - سبب به بن بست رسیدن گفتگوها در کنکون شدند. در واقع، نسبت به سال گذشته، کشورهای در حال رشد به یک توافق منسجم و پذیرفتنی به هیچ وجه نزدیکتر نشدند. آنچه می بایست صورت گیرد، یک دگرگونی واقعی است. برای تحقق این امر، آمریکا و اتحادیه اروپا می بایست امتیازهایی واقعی به کشورهای در حال رشد بدهند، از جمله کاهش قاطع یا از بین بردن سوبسید های صادرات محصولات کشاورزی، که ادامه حیات کشاورزی در کشورهای در حال رشد را تقریباً غیر ممکن می کند. سازمان تجارت جهانی به کشورهای در حال رشد فشار می آورد که «قوانین» بازی «تجارت آزاد» را یکپارچه قبول کنند. ولیکن نمی شود که عقب نشینی ها فقط از جانب یک طرف باشد. در حقیقت، وقت آن رسیده است که کشورهای سرمایه داری عمده هم از خود مایه بگذارند. این مشخص است که بدون امتیاز دهی جدی از سوی کشورهای پیشرفته، هیچ تغییر اساسی صورت نخواهد گرفت. بررغم فاصله عظیم مواضع زحمتکشان کشورهای در حال رشد و سرمایه داری جهانی، سازمان تجارت جهانی به حیات خود ادامه خواهد داد و سعی در گسترش حیطه نفوذ خود خواهد نمود. با توجه به موازنه نیروها در سطح بین المللی و رشد مبارزه خلق های کشورهای در حال توسعه می توان امید داشت که با پرتوانتر شدن موقعیت کشورهای فقیر در گفتگوها از طریق حفظ یک موضع متحد و همبسته و کسب امتیازهایی هرچند کوچک از سوی کشورهای ثروتمند، بشود سازمان تجارت جهانی را به صحنه مبارزه زحمتکشان کشورهای فقیر و در حال توسعه برای ایجاد مکانیزم های ضرور برای تغییرات مثبت تبدیل کرد. ایدئولوژی نئولیبرالیسم کماکان بر سازمان تجارت جهانی غالب است. سَم امپاسو، وزیر صنعت و بازرگانی مالایو، وقتی از او درباره مزایای آزادسازی تجاری پرسیده شد، گفت «ما اقتصادمان را باز کرده ایم. به همین علت است که بر زمین افتاده ایم.»

اگر سازمان تجارت جهانی به همین منوال ادامه دهد، تردیدی نیست که کل دنیای در حال رشد به همین وضع [مالاوی] دچار خواهد شد. آیا مدافعان پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی در باره تبعات پیشنهاد خود و از جمله انهدام توان تولیدی (هم صنعتی و هم کشاورزی) حاضرند، تعمقی بکنند؟

«جان کری»، کاندیدای حزب دموکرات آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری این کشور، در سخنرانی ها و گردهمایی های انتخاباتی خود، با صراحت تمام از مواضع جنگ طلبانه و سیاست خارجی کنونی دولت آمریکا دفاع کرده است. گرچه حزب دموکرات آمریکا مدعی ارائه برنامه بی ماهیتاً متفاوت با جمهوری خواهان در کارزار انتخاباتی خود می باشد، سیاست خارجی پیشنهادی آن که براساس سیاست دفاع از جنگ قرار دارد، همسوی سیاست محافظه کاران کاخ سفید و در تضاد با منافع کارگران و زحمتکشان آمریکا است. در روز ۸ مردادماه، «جان کری»، در سخنرانی انتخاباتی خود، که در جریان گردهمایی رسمی حزب دموکرات در شهر بوستون انجام داد، ضمن اشاره مکرر به پیشینه نظامی خود، از جمله شرکت در جنگ ویتنام، قول داد که در برابر «دشمنان آمریکا ایستادگی کند». او در این سخنرانی از سیاست های جنگی دولت بوش انتقاد نکرد، بلکه تلاش کرد تا مردم آمریکا را متقاعد سازد که او در مبارزه با القاعده و سیاست های جنگی، موفقیت و کار آیی بیشتری در مقایسه با رئیس جمهور کنونی خواهد داشت. او همچنین در ارتباط با مسایل داخلی نیز قول داد که از مالیات ها کم کند و منظور او از این کاهش مالیات، کاهش مالیات سرمایه های بزرگ مالی و انحصار های تولید کننده اسلحه بود. او برای مطمئن ساختن کمپانی های بزرگ تسلیحاتی و برای آسودگی خاطر طرفداران گسترش نظامی گری، یعنی همان محافل قدرت مندی که حاکمیت واقعی در حال حاضر در دست آنها ست، با صراحت و قاطعیت، افزایش ۴۰ هزار سرباز دیگر در خاک عراق را قبول داد، ۴۰ هزار سربازی که باید از نظر اسلحه تامین شوند. او همچنین قول داد که «اگر در انتخابات پیروز شود، به عنوان رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح آمریکا، هرگز برای وارد شدن به جنگ، مردم را گمراه نخواهد کرد.» (خبرگزاری بی بی سی ۹ مردادماه) او ادامه می دهد که، فقط زمانی حاضر خواهد بود آمریکا در جنگی وارد شود که لازم است و نه به این دلیل که خواسته شخصی خود را دنبال کند. جان کری در تمام سخنرانی های خود، تا کنون از صلح، پایان جنگ و یا خروج نیروهای آمریکایی از عراق سخن نگفته است و هیچ گاه نیز دولت کنونی را نه تنها به خاطر سیاست های جنگ طلبانه و تجاوز کارانه اش تقبیح نکرده است، بلکه بر عکس از آن جهت که رهبران کنونی در برخی عرصه ها در این رابطه سستی و کوتاهی کرده اند، مورد سرزنش قرار می دهد.

کری در هنگام رای گیری برای جنگ عراق، پیش از حمله آمریکا به این کشور، از آن پشتیبانی کرد و در حال حاضر نیز قول داده است تا پشتیبانی آلمان و فرانسه را در اشغال عراق، جلب کند.

گردهمایی اخیر حزب دموکرات در بوستون نیز با دستور کار «اتحاد برای پیروزی کری» و در سکوت اکثریت ضد جنگ، آغاز شد. هرچند که بحث های چند ی در مورد مسایل داخلی آمریکا صورت گرفت، اما مرکزی ترین موضوع، «اتحاد برای پیروزی کری» بود، کاندیدایی که قرار است برنامه های قابل قبول میلیاردرها، صاحبان بانک ها و شرکت های انحصاری نفتی را به مرحله اجرا در آورد یعنی آنانی که اداره کنندگان واقعی آمریکا هستند. آنها از بوش تنها به خاطر ایجاد جو ضد آمریکایی و افزایش و گسترش آن در سطح جهانی و به ویژه در رابطه با عراق ناراضی هستند و امیدوارند که کری بتواند پشتیبانی های لازم را برای سیاست های توسعه طلبانه آمریکا به دست آورد. ژنرال «وسلی کلارک»، یکی از رقیبان انتخاباتی «کری» برای کاندیداتوری

جهان سوم: بازگشت به پله اول؟

گزارشی از نشست اخیر سازمان تجارت جهانی

* دور تازه گفتگوهای تجاری که در نیمه اول مرداد ماه در ژنو جریان داشت، کشورهای در حال رشد را به وضعیت پیش از کنکون برگرداند.

* تندخویی، مشاجره و تقصیر را به گردن دیگری انداختن، مشخصه های زشت نشست های سازمان تجارت جهانی می باشد.

اجلاس ۱۴۷ کشور عضو سازمان تجارت جهانی به منظور توافق بر سر بر جریان انداختن مذاکرات بر سر قوانین و مقررات حاکم بر «تجارت آزاد»، و یا به عبارت باز کردن مرزهای کشورهای در حال رشد بر روی صادرات بدون کنترل محصولات انحصارات بین المللی، در میان ادعا های متناقض از سوی کشورهای مختلف در مورد نتیجه آن در روز ۱۰ مردادماه به پایان رسید. تا پیش از توقف ناگزیر گفتگوها در چهارشنبه هفته گذشته، کسی حدس نمی زد که بیشتر بحثها حول محور آینده - یا نبود آینده - این سازمان دور می زده است. اما بر خلاف انتظار ناظران و شاهدان، گفتگوها به هر حال ادامه یافت.

در خاتمه کنفرانس ژنو نمایندگان کشورهای ثروتمند از خودشان تعریف کردند که طرحهایی ارائه داده اند که به ادعای آنان شرایط اقتصادی کشورهای فقیر را بهبود خواهد بخشید. روزنامه تایمز مالی روز ۱۲ مردادماه در مقاله ای از شغف دولت های عمده سرمایه داری جهان از حصول موافقتنامه در رابطه با مقررات تجارت جهانی گزارش داد. این حقیقتی است که این نیروها نیاز مفرطی به این موافقتنامه و ادامه روند برداشتن موانع باقیمانده بر سر راه اشباع بازارهای سراسر جهان از فرآورده های کشاورزی، کالاهای صنعتی و خدمات از سوی انحصارات که از بیش از یک دهه پیش شروع شده، دارند. به گزارش تایمز مالی ۶ مردادماه وزرای خارجه و تجارت کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای اطمینان از موفقیت در این اجلاس با انتشار بیانیه مشترکی، موضع واحد و یگانه یی را اتخاذ کرده بودند. سوپاچای پانیتچپاکدی، دبیر کل سازمان تجارت جهانی، (س.ت.ج.) در این رابطه گفت: «این یک لحظه تاریخی برای این سازمان است.» و اضافه کرد که «این موافقتنامه اعتماد به روند چند جانبه را تقویت کرده است.» رابرت ژولیک، نماینده وزارت تجارت آمریکا، گفت که این موافقت نامه «قدمی اساسی برای تجارت جهان» بود که متضمن نفع میلیون ها نفر خواهد بود. پاسکال لامی، مسئول کمیسیون تجارت اتحادیه اروپا در رابطه با توافق حاصله در ژنو مدعی شد: «تصمیم امروز نشان می دهد که سیستم تجارت چندجانبه زنده و سر حال است..... نتایج برای اتحادیه اروپا، برای کشورهای در حال توسعه و دیگران خوب است.»

اما نشست ژنو واقعاً چه دستاوردهایی داشت؟

پیش از نشست سران کشورهای عضو «س.ت.ج.» در کنکون در شهریور ماه گذشته، سازمانهایی مثل «جنگ علیه ناداری» هشدار داده بودند که اضافه کردن موضوع های تازه به دستور کار نشست (به منظور بحث در باره مقررات بیشتری در رابطه با رفع تعرفه ها و موانع و مقررات گمرکی به نفع انحصار های چند ملیتی) بی تردید منجر به متلاشی شدن گفتگوها خواهد شد. دول کشورهای عمده سرمایه داری به این امر توجهی نکردند و همانطور که پیش بینی می شد، حرص

و آز آنها در دستیابی به بازارهای جهان سوم ضامن شکست مفتضحانه گفتگوهای کنکون - مکزیکی شد. از یک سو اتحادیه اروپا، آمریکا و ژاپن در تلاش برای پیش برد راه حل های بازار آزاد (راه حل هایی که جنبش مدافع رشد و توسعه جهانی آنها را تبلور دهنده سیاست های نولیبرالیسم اقتصادی می شناسد) تحت لوای مبارزه با فقر در جهان مترصد یافتن طرق مکارانه برای غلبه بر مقاومت استقلال طلبانه خلق ها بودند، و در همین حال و از طرف دیگر، کشورهای در حال رشد با یکدیگر انجمن کرده و در قالب کشورهای «گروه ۲۰» و «گروه ۹۰» تبدیل به نیروی مذاکره کننده ای شدند که کشورهای سرمایه داری پیشرفته اکنون مجبور اند که به آن ها توجه کنند. کانون های عمده مبارزه حول مسائلی نظیر حذف یارانه دولت های سرمایه داری به کمپانی های کشاورزی (بخصوص تولید کنندگان پنبه) و همچنین خاتمه دادن به روند ارائه قوانین و مقررات در رابطه با تجارت جهانی می باشد که عملاً هرگون امکان کشورهای در حال توسعه را برای دفاع از صنایع و تولید کنندگان بومی زایل می کند. در جریان بحث های اجلاس ژنو، کشورهای سرمایه داری عمده بدون ارائه جدول زمانی مشخصی برای انجام تغییرات (در رابطه با یارانه برای صدور محصولات کشاورزی کشورهای سرمایه داری) و قبول هیچ تضمینی برای عملی شدن پیشنهادهای (طرح هایی که مطرح شده اند صرفاً چارجوب هایی برای بحث های بعدی هستند)، ژست استقبال از مطرح شدن موضوع های مربوط به رشد و توسعه در گفتگوهای تجاری را گرفتند. این موضع گیری عملاً به منظور شکاف انداختن در بین کشورهای «گروه ۹۰» و پیشبرد مرحله به مرحله طرح طراحان و سیاست گذاران «جهانی شدن» بود. باید توجه داشت که در اکتبر سال ۲۰۰۱ در دوحه گفتگوها به واسطه سرسختی کشورهای ثروتمند ناقص ماند. دو سال بعد در کنکون، نمایش پر قدرت کشورهای گروه ۲۰ - گروهی از کشورهای در حال رشد که در مخالفت با کشورهای سلطه گر با یکدیگر متحد شده اند - نشان داد که کشورهای در حال رشد آمادۀ مقابله با توان مذاکراتی غرب می باشند، و از آن مهمتر، از قدرت قمار اقتصادی آنها ترسی ندارند. این وضع، دست کم کورسوی امیدی است که به جنبشهای اجتماعی و دولتهای فقیرتر حقانیت و نیرو می دهد. اما توان اقتصادی کشورهای ثروتمند کماکان به آنها دست بالا را می دهد. از زمان نشست کنکون تا همین حالا هم کشورهای ثروتمند سعی کرده اند با ایجاد انگیزه ها و وسوسه های گوناگون در بین کشورهای در حال توسعه و فقیر و از جمله «گروه ۲۰» و «گروه ۹۰» تفرقه بیندازند. دولت آمریکا به ویژه، تهدید کرده است که اگر کشورهای فقیر از مواضعشان عقب ننشینند، مزیت تجاری آنها (در رابطه با قرارداد های ویژه دوجانبه بین آمریکا با

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 693
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

17 August 2004

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک